

دو نکته درباره علامه امینی - محسن صادقی
فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال دهم، شماره ۳۸ «ویژه علامه امینی»، بهار ۱۳۹۲، ص ۱۳۷ - ۱۴۳

دو نکته درباره علامه امینی

محسن صادقی*

چکیده: نگارنده در این گفتار، دو نکته نو یافته انتشار داده که در پژوهش‌های مربوط به علامه امینی به کار می‌آید: یادداشت‌هایی از استاد محقق سید عبدالعزیز طباطبایی یزدی در استدراک شهداء الفضیلة نوشته علامه امینی، و اجازه روایی علامه امینی به دکتر حسین علی محفوظ.

کلید واژه‌ها: شهداء الفضیلة (کتاب) - استدراک / طباطبایی یزدی، سید عبدالعزیز - یادداشت پژوهشی / امینی، عبدالحسین - اجازات روایی / محفوظ، حسین علی - اجازه روایی از علامه امینی.

مقدمه

درباره علامه امینی، از زمان حیات آن فقید تاکنون بسیار گفته‌اند. ولی هنوز ناگفته‌های فراوان باقی مانده است که به پژوهش و نشر نیاز دارد. این ناگفته‌ها در دل کتابخانه‌ها نهفته است و از اسنادی به دست می‌آید که از

*. پژوهشگر، حوزه علمیه قم

دانشوران مرتبط با علامه امینی بر جای مانده است.

در این فرصت، دو نکته نو یافته منتشر می‌شود:

اول - چند یادداشت کوتاه و مختصر از محقق فقیه علامه سید عبدالعزیز طباطبایی در استدراک کتاب شهداء الفضیلة که آن فقیه، در نسخه شخصی خود نوشته است و برای نخستین بار منتشر می‌شود. البته محقق طباطبایی قصد نوشتن کتابی تفصیلی در این مورد نداشته، وگرنه با گستره پژوهشی او، انتظار نوشتاری دیگر می‌توانستیم داشت. باید دانست که آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی نیز یادداشت‌هایی در استدراک این کتاب نوشته که در مجموعه (گنجینه شهاب ج ۱ ص ۱۵۵-۱۸۹) (قم: کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۳۸۳ شمسی) منتشر شده است. روشن است که باب استدراک بر این کتاب مرجع ابتکاری همچنان گشوده است و به این یادداشت‌ها محدود نمی‌شود. توضیح مهم در مورد کتاب شهداء الفضیلة این است که از همان آغاز انتشار، بنای علامه امینی بر مستدرک نویسی آن بوده است.

مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی در نامه‌ای خطاب به مرحوم آیت الله مرعشی می‌نویسد:

"از شهدای علماء، از قرن رابع تا اول قرن رابع عشر، هرکسی را شما پیدا کردید، فقط اسم و مورد ترجمه او را معین فرمایید تا مؤلف شهداء [الفضیلة] با ممنونیت، تذیل و استدراک کند" (نامه‌های ناموران، ص ۳۱).

همچنین در نامه‌ای دیگر به تاریخ ۱۰ شوال ۱۳۵۷ قمری می‌نویسد:

"از شهدای علماءی اثنا عشریه، از قرن رابع الی آخر قرن سیزدهم که قضیه شهادت آنها در یک کتابی دیده شده باشد، مرقوم دارید. اسم آن کتاب و محل وجود آن را، تا فحص شود و اطمینان حاصل شود، نه مجرد آنکه بگویند حاج میرزا حسین خلیلی را در طهران کسی آمد به توسط بعضی خواص او را مسموم کرد،



یا آنکه آخوند ملا کاظم [خراسانی] را مشروطه بعث کردند که مسموم شد، و هکذا، یا آنکه در ترجمه کسی نوشته شده باشد فلان شهید، زیرا که چه بسا تصحیف شده، باید "الشهیر" بنویسد، "الشهید" نوشته، و امثال ذلك. غرض آنکه حال که شما زحمت می کشید، قسمی باشد که هدر نرود... و امّا حکیم عبدالله تبریزی طبیب، از موضوع علما خارج و در ملک اطباء معروف به طبّ و شغل و کار او بوده، نمی شود به مجرد علمیت او در صنف شهید اول و ثانی و اضرابهم داخل شود. بعد از چند قرن طایفه او تا الیوم، حکیم اف معروفند نه عالم اف، ملا اف" (نامه‌های ناموران، ص ۳۴).

دوم - اجازه روایی علامه امینی به دکتر حسین علی محفوظ، پژوهشگر معاصر عراقی* که به سال ۱۳۶۶ قمری صادر شده است. علامه شیخ عبدالحسین امینی تبریزی از آیات عظام سید ابوالحسن اصفهانی، شیخ محمد حسین اصفهانی (مشهور به کمپانی)، شیخ محمد حسین کاشف العطاء، میرزا علی آفاشیرازی، شیخ عبدالکریم حائری یزدی اجازه اجتهاد گرفت و از بسیاری علما اجازه روایت اخذ کرد^۱. از جمله حضرات آیات: سید ابوالحسن اصفهانی (م ۱۳۶۵ ق)، میرزا علی آقای شیرازی فرزند میرزای شیرازی (م ۱۳۵۵ ق)، شیخ علی اصغر ملکی تبریزی، حاج آقا حسین قمی (م ۱۳۶۶ ق)، شیخ محمد علی اردوبادی، شیخ علی بن ابراهیم قمی، (الغدیر، چاپ مرکز الغدیر، جلد صفر، ص ۲۰). حاج شیخ عباس قمی (م ۱۳۵۹ ق)^۲، دو اجازه از شیخ آقابزرگ تهرانی (م ۱۳۸۹ ق)^۳، میرزا محمد عسکری

* شرح حال میسوط دکتر حسین علی محفوظ در سفینه شماره ۲۱ آمده است.

۱. امین شریعت، رساله الحجّة الأمینی نوشته علامه سید محمد صادق بحرالعلوم، ص ۸۸، به نوشته مقدمه الغدیر، چاپ مرکز الغدیر (ج صفر، ص ۱۹) علامه امینی به جز علمای پیش گفته، از مرحوم میرزا علی شیرازی و میرزا حسین نائینی هم اجازه اجتهاد داشته است.

۲. نک: اجازه علامه امینی به دکتر حسین علی محفوظ در ادامه همین مقاله.

تهرانی^۴، میرزا یحیی امام جمعه خوئی (م ۱۳۶۴ ق)^۵.

به نوشته مرحوم سید صادق بحر العلوم متن بسیاری از این اجازات به خط مجیزین در اختیار فرزند علامه امینی [مرحوم] شیخ رضا امینی بوده است^۶. شایان ذکر است که پی گیری نگارنده در مورد تهیه تصویری از این اجازات به جایی نرسیده، امیدواریم روزی این اجازات در دسترس عموم پژوهشگران قرار گیرد. اما در مورد اجازاتی که مرحوم علامه امینی برای دیگران صادر کرده‌اند، اطلاع چندانی نداریم به جز یک اجازه که ایشان به مرحوم دکتر حسین علی محفوظ داده‌اند. این اجازه در اجازات العلامة الدكتور حسین علی محفوظ (م ۱۴۳۰ ق) به قلم عبدالکریم الدباغ تکثیر شده است.

نکته اول - استدراک محقق طباطبایی بر شهداء الفضیلة

۱. فخرالدین احمد ابن الخواجه نصیرالدین الطوسی. ترجم له شیخنا العلامة الرازی فی اعلام القرن السابع (ص ۱۲) و ترجم له ابن الفوطی فی تلخیص مجمع الآداب. (ج ۴، ق ۳، ص ۱۰۲، رقم ۱۹۷۶)

۳. برای اطلاع از متن اجازه نک: شیخ آقابزرگ تهرانی، به کوشش علی اکبر صفری (چاپ اول: قم، مؤسسه کتاب شناسی شیعه، ۱۳۹۰)، ص ۴۱۹.

۴. این اجازه از سوی میرزا محمد عسکری (م ۱۳۷۱ ق) برای علامه محمد علی اردوبادی (م ۱۳۷۹ ق) و ملا علی واعظ خیابانی تبریزی (م ۱۳۶۷ ق) و علامه شیخ عبدالحسین امینی تبریزی (م ۱۳۹۰ ق) صادر شده است. متن این اجازه در مجله کتاب شیعه (دو فصلنامه مؤسسه کتاب شناسی شیعه)، ش ۲، ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۰، ص ۲۳۳ - ۲۴۰ چاپ شده است.

۵. اصل این اجازه در کتابخانه آیه الله مرعشی (نسخه ش ۱۳۳۳/۴) وجود دارد و در مجله سفینه (ش ۱۴)، ص ۱۵۸ - ۱۶۱ بازنویسی شده است.

۶. امین شریعت، رساله الحجة الامینی نوشته علامه سید محمد صادق بحر العلوم، ص ۸۸.



- وقال في نهاية ترجمته: «قتل في سيواس من بلاد الروم في يوم الأحد حادي و
عشرين ذي الحجة سنة ٧٠٠ و نقل إلى مراغه فدفن عند أخيه»
٢. تاج الدين محمد بن نصر ابن صلايا، قتله هولاء سنة ٦٥٦. (الوفيات، ج ٥،
ص ١٢٨)
٣. الفقيه عمارة اليمنى المصلوب سنة ٥٦٩، ترجم له شيخنا رحمه الله في
شعراء الغدير. (ج ٤، ص ٤٥٨)
٤. ابوالفضل ابن الخشاب الحلبي رئيس الشيعة في حلب، قتل سنة ٥٧٠.
(الروضتين، ج ١، ص ٢٣٤؛ اعلام النبلاء، تاريخ حلب، ج ٢، ص ٩٠)
٥. السيد بدرالدين المجتبي بن أميرة بن سيف النبي الجعفري، ذكره الشيخ
منتجب الدين (رقم ٤٥٦).
٦. محمد بن الفضل بن سنان العجلي القزويني، المترجم في التدوين.
٧. محمود بن ابراهيم بن محمد الشيرازي نزيل دمشق قتل على الرضا في
جمادى الآخرة سنة ٧٦٦. (الدرر الكامنة، ج ٥، ص ٨٩، رقم ٤٧٣٩؛ اعلام الشيعة، ق ٨، ص ٢٠٩)
٨. الحسين بن الحسين بن جعفر بن الحسين بن علي بن محمد الديباج أبو محمد.
ترجم له الرافعي في التدوين وقال: «شريف نبيل وكان جدّه جعفر أقام بقزوين و
أعقب بها، و استشهد الحسن بباب قزوين سنة ٣٣٤ قتلته الاكراد».
٩. عرفة الطرابلسي ضربت عنقه في جمادى الأولى سنة ٧٨٦. قال ابن حجر في
ابناء الغمر (ج ١، ص ٣١١) عند الكلام على قتل الشهيد الأول محمد بن مكّي الرافعي:
«وضبت عنق رفيقه عرفه بطرابلس وكان على معتقده».
١٠. أبو محمد ابن سنان الخفاجي الشاعر الحلبي، عبد الله بن محمد بن سعيد،
ترجمته و قتله بالسّم في فوات الوفيات، (ج ٢، ص ٢٢٠، رقم ٢٣٢).
١١. الشيخ علي الحيدري أول من هاجر من الشيعة إلى الديار الهندية رحل إليها
في القرن الثامن و أقام بكنبايت من مدن گجرات، فأسلم على يده خلق كثير من أهل

كجرات و تشيعوا، حكاة فى ثقافة الهند (ص ٢١٧) عن مجالس المؤمنين، ثم حكى عن ابن بطوطه فى رحلته أنه قال: «بلغ محمد شاه تغلق أنّ الحيدري دعا للقاضي جلال الدين الذي خالف السلطان بمدينة كنبايه». و ذكر أيضا أنه بايعه فأمر بقتله فقتلوه.

١٢. ابن الأثير أبو عبد الله محمد بن عبد الله القضاعى البلسنى، المقتول صبراً و ظلماً سنة ٦٥٨.

ترجم له الذهبى فى سير اعلام النبلا (ج ٢٣، ص ٣٣٦).

نكته دوم - اجازة روايى علامه امينى به دكتر حسين على محفوظ

بسم الله الرحمن الرحيم

سلامى و احترامى إلى الأخ الفاضل البار، قرّة عين الأدب، الشيخ حسين بن الشيخ على بن الشيخ محمد جواد آل محفوظ، وفقه الله تعالى لمرضاته. و بعد - فكان من واجبى أن يصل إليكم قبل ربح من الزمن، قبل أن يثنى أو يثلث كتابكم، غير أنّ اشتغالى بالأهمّ الذى يهمنى و يهمنى، عاقنى عن الجواب، لا تحقيراً بكم و بمقامكم و لا لسوء ظنّ عليك. و لم أجد نفسى مع ذلك وفق ما فى حسن ظنك بى (والإنسان على نفسه بصيرة)، حتى ألبى طلبتكم (إجازة الرواية). فإنى بعد حثكم فى الطلب، و تأكيد أحنينا الصالح، الشيخ محمد رضا الخالصى فى الأمر، أستخير الله تعالى، و أوصيكم بالورع و التقوى و الإحتياط التام فى الرواية، و التجنب عمّا يشينها، و يزرى بها. و أجزىكم بالرواية عنى، عن مشايخى الأعلام، بطرقهم المتكثرة المتصلة بالإمام المعصوم (سلام الله عليه)، و هم جمع لا يستهان بعدّتهم، و فى مقدمتهم؛ آية الله، الورع التقى الحجة، السيّد الحاج آغا حسين القمى



(طيب الله رمسه). عن العلم الحجة، السيد المرتضى الكشميري، المتوفى سنة ١٣٢٣ هـ عن السيد مهدي القزويني، المتوفى سنة ١٣٠٠ هـ عن عمه السيد محمد باقر بن السيد أحمد القزويني، المتوفى سنة ١٢٤٦ هـ عن خاله السيد محمد مهدي بحر العلوم، المتوفى سنة ١٢١٢ هـ بطرقه المبسوطه في كتب الأصحاب.

حيلولة: و الشيخ العلم الورع الحجة الحاج الشيخ عباس القمي، صاحب التأليف القيمة. عن العيلم العلامة، شيخ الحديث و الدراية و الرواية، الحاج ميرزا حسين النوري، عن الشيخ الأوحى، الشيخ مرتضى الانصارى، عن الشيخ الأكبر، الشيخ جعفر كاشف الغطاء، عن الاستاد الأكبر البهبهاني، عن والده المقدس، المولى محمد أكمل البهبهاني. عن الشيخ الفذ جمال الدين الخوانساري، عن شيخ المحدثين، شيخنا الشيخ محمد تقى المجلسى (قدس الله أرواحهم)، بطرقه المعلومة. و أوصيكم آخراً بما وصيتكم أولاً، والله ولى التوفيق. والسلام عليكم ورحمة الله و بركاته.

الأحقر عبد الحسين الأمينى

٤ ذيقعدة الحرام سنة ١٣٦٦ هـ

پرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی